



نکات تعلیمی در منظومه‌های حماسی با تکیه بر مثنوی هفت لشر

فهمیه گردگیران^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

مریم محمودی (نویسنده مسئول)^۲

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران

احمدرضا یلمه‌ها^۳

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران

چکیده

ادبیات تعلیمی گونه‌ای از ادبیات فارسی است که دربرگیرنده تعالیم اخلاقی و آموزش‌دهنده آن است. این گونه ادبی که از دیرباز مورد توجه بزرگان ادبیات فارسی بوده است با اندرزهای آذرباد مهر سپندان، اندرز خسرو قبادان، یادگار بزرگمهر و داستان مینوی خرد که بازمانده از ایران باستان است قدمت خود را به رخ می‌کشد و با آثار شاعرانی همچون فردوسی، سنایی، سعدی و ... ادامه می‌یابد. در

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵

- . fahimegordgiran@gmail.com
- . m.mahmoodi50@yahoo.com
- . ayalameha@yahoo.com

میان انواع ادبی حماسه نیز این تعالیم را در خود دارد و در ادامه این مبحث آثاری همچون مثنوی هفت-لشکر که اثری حماسی و دربرگیرنده تعالیم اخلاقی است، خودنمایی می‌کند. در این اثر که از شاعری ناشناس در قرن دوازدهم و احتمالاً دوره صفویه کتابت شده است مواردی یافت می‌شود که نگارندگان را بر آن داشت تا به شیوه تحلیلی و توصیفی، درباره ادبیات تعلیمی در این اثر دست به پژوهش بزنند. با طرح این پرسش‌ها که دسته بندی ادبیات تعلیمی در ادب فارسی چگونه است؟ و شاخصه‌های ادبیات تعلیمی در مثنوی هفت لشکر کدام است؟ پس از بررسی‌ها مشخص شد که سراینده با طرح مواردی همچون بزرگداشت خرد، حمد خدا، توکل، پذیرش پند پیران، طلب دعای خیر در حق دیگران و نیز با تبشیر و انذار و.. به طرح موضوعات اخلاقی پرداخته است که می‌تواند در زندگی امروزه هم کاربرد داشته باشد از سوی دیگر شیوه نصیحت گویی مشفقانه در این منظومه و کاربرد آنها در سراسر داستان نشان از ارزش واقعی اخلاقیات در نزد سراینده دارد.

کلیدواژه: ادبیات، حماسه، ادبیات تعلیمی، مثنوی هفت لشکر.

۱- مقدمه

از قدیم‌ترین روزگاران تا به امروز، حماسه یکی از مهم‌ترین انواع ادبی شمرده شده است. ارسطو پس از تعریف شعر به «کلام موزون خیال‌انگیز»، از نظر معنی و محتوی، به تقسیم آن دست فرا کرده و گفته است که: «شعر یا مربوط است به بیان عواطف و احساسات و کامرانی‌های انسانی (Lyric)، یا مربوط است به توصیف وقایع و اشخاصی که در نمایش و تجسم به کار می‌رود (dramatic) و یا به بیان سرگذشت‌ها و افتخارات گذشتگان می‌پردازد (epic)». (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۸) اما باید دانست که منظور از بیان سرگذشت گذشتگان، تنها روایت صرف و تاریخ وار تلاشهای فکری و فرهنگی یک قوم نیست، بلکه چنانچه استاد صفا اشاره

کرده اند: «سخن در اینجا از امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملّتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذینفع باشند.» (صفا، ۱۳۷۹: ۳)

حماسه (به فتح اوّل) واژه ای عربی است به معنی: تندی، تفتی در کار و دلاوری و شجاعت. مجموعه ای از سروده‌هاست که مبین شجاعت‌ها، افتخارات، پیروزیها و کسب استقلال ملّتی است که از لابه لای قرن‌ها، سینه به سینه نقل شده و به اشکال تازه ای درآمده است. کلمه «حماسه» در پنجاه سال اخیر داخل تعییرات نویسندگان و ادیبان ایرانی شده است. شعر حماسی همواره به تاریخ، اسطوره و فولکلور ملّتش هم اشاراتی دارد. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۴۷) نیز ر.ک. (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۸۲) و (محبوب، ۱۳۷۱: ۵۴-۵۵) «شعر حماسی، در ادبیات بسیاری از ملّت‌ها جزء قدیمی‌ترین گونه‌هایی است که نویسندگان و شاعرانی بزرگ در مورد آن بسیار نوشته و سروده‌اند و این گونه ادبی به خاطر بسیاری از مسائل برجسته شده است. در این میان، شاهنامه، از جمله آثاری است که دارای ویژگی منحصر به فردی است و دیگر حماسه‌ها به اندازه این اثر، از آن بهره مند نیستند. شاهنامه در عین حماسی بودن، کتاب ژرف‌اندیشی و حکمت است» (رضا بیگی و سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۲) و بسیاری از شاعران به پیروی از فردوسی، به این ویژگی توجه داشته‌اند و در جای جای اثر خود گریزی به مسائل اخلاقی، حکمی و تعلیمی زده‌اند.

از آنجا که محور اصلی داستانهای حماسی، مسائل دینی، تاریخی و ملّی است، پس ضروری است در قالب حماسه، به نکته‌های اخلاقی و تعلیمی، تحت عنوان ادبیات تعلیمی پرداخته شود.

در این مقاله برآنیم تا به بررسی نکات تعلیمی در منظومه حماسی هفت لشکر پردازیم.

در این پژوهش درصدد یافتن پاسخی برای سؤالات زیر هستیم:

۱- دسته بندی ادبیات تعلیمی در ادب فارسی چگونه است؟

۲- شاخصه‌های ادبیات تعلیمی در مثنوی هفت لشکر کدام است؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

از آنجا که بشر، بویژه ایرانیان در طول تاریخ به مسائل اخلاقی و ادبیات تعلیمی توجه بسیاری داشته اند، در ادبیات پیش از اسلام و پس از آن، ریشه‌هایی از این نوع ادبی، به چشم می‌خورد. تاکنون چندین مقاله و اثر درباره نکات تعلیمی در منظومه‌های حماسی نگاشته و تدوین شده که با عنوان مقاله نگارنده مغایرت دارد و به برخی از آنها اشاره می‌شود:

رضا بیگی و سلیمی در مقاله «تأملی در نقش تعلیمی داستانهای شاهنامه، با وجود حماسی بودن شاهنامه، اشارات تعلیمی فراوان پیرامون عبرت گرفتن از دنیا و بی‌اعتباری آن، مرگ و زندگی و خردورزی دارد. (رضا بیگی و سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) یلمه‌ها در مقاله «شگردها و علل و انگیزه- های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی با تکیه بر منظومه نویافته ناز و نیاز» ضمن تعریف مختصری درباره ادبیات تعلیمی و خاستگاه و مضامین آن، به شگردها و علل کاربرد مضامین تعلیمی در مسائل غنایی پرداخته و به مهمترین روش‌های گوناگون تعلیم و تربیت اشاره کرده است. (یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۹-۱۹)، محسنی نیا در مقاله «پژوهشی درباره جایگاه ادبیات تعلیمی در قصاید پارسی»، به سیر تحول این نوع ادبی و تعلیمات دینی و مذهبی، آموزش اخلاقی^۰ عرفانی و تعلیمات سیاسی- اجتماعی در قصاید شاعران قصیده سرای پارسی پرداخته است. (محسنی نیا، برزگر خالقی و نوروززاده چگینی، ۱۳۹۰: ۱۲۲)، علی مددی در مقاله «تبارشناسی ادبیات تعلیمی» ضمن بازگویی قدمت و پیشینه ادبیات تعلیمی در ایران به عنوان یک گونه ادبی، به مواجهه آن در دوره مشروطه با انتقادات فراوان پرداخته و دلیل آن را در نوع حکومت معمول در جامعه پیشامدرن ایران (استبداد) و ساختار طبقاتی جامعه ایرانی تا پیش از مشروطه جست و جو کرده است. (علی مددی، ۱۳۹۴: ۱۱۰، ۱۳۲)، مشتاق مهر و با فکر در مقاله «شاخص‌های

محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، ضمن تعریف جامعی درباره ادبیات تعلیمی، به شاخص های محتوایی و صوری آن پرداخته و نمونه هایی از مثنوی، رباعی، قصیده، غزل و نثر را برای این شاخص ها آورده است. (مشتاق مهر و با فکر، ۱۳۹۴: ۱)، آیدنلو در مقاله «زرین قبانامه: منظومه پهلوانی ناشناخته»، در بخش موضوعات اندیشگی / فکری ناظم زرین قبانامه به پیروی از فردوسی در جای جای گزارش منظوم روایات، در قالب یک یا چند بیت به بیان مسائل تعلیمی گریز زده است. (آیدنلو، ۱۳۹۳: ۳۲)، رنجبر در کتاب «جاذبه های فکری فردوسی»، به بهره مندی فردوسی از احادیث نبودی و آیات قرآنی به طور مستقیم و غیر مستقیم و نیز عمده مسائل و نکات تعلیمی در لابه لای ابیات شاهنامه اشاره کرده است. (رنجبر، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۷۹) و کتاب «جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران» از مریم مشرف که در آن، بخشی از آثار تعلیمی تحلیل شده است.

۲-۱- ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی از مهم ترین و اصلی ترین گونه های ادبی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می داند و هم خود را متوجه آموزش و تعلیم اندیشه های پسندیده دینی، عرفانی، فلسفی، مسائل اخلاقی، علوم قنون، تهذیب نفس، تزکیه ذهن، پرورش قوای روحی و تعالی و کمال انسان می کند. (مشتاق مهر و با فکر، ۱۳۹۴: ۱) نیز ر.ک. (مشرف، ۱۳۸۹: ۹)

ادبیات تعلیمی شاخص های محتوایی و صوری خاصی دارد که از این شاخص ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شاخص های محتوایی: آموزنده و تهذیب کننده بودن، خردورزی، واقع گرایی و دور از خیالبافی، دیدگاه تقدیرگرایانه، درونگرایی و غیره.

۲- شاخص‌های صوری: سادگی و رسایی زبان و بیان، تأکیدی بودن تشبیه، مخاطب و خواننده محوری، بسامد بالای جملات استفهامی، امری، ندایی و نهیبی و غیره. (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۴: ۲)

ادبیات تعلیمی دوخاستگاه کلی دارد:

الف) خاستگاه درونی: من شاعر.

ب) خاستگاه بیرونی: اجتماع و گفتمان‌های غالب در آن. (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۸)

ادیبان در دوره‌های آغازین اسلام به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تعلیم اخلاق می‌پرداختند و پیش از آن نیز بر آموزه‌های تعلیمی ایران باستان مانند وصف باده نوشی و لزوم داشتن فره ایزدی و داشتن اصل و نسب شاهی برای پادشاه، کین‌خواهی و غیره تأکید می‌کردند؛ اما به مرور مسائلی که با موازین اسلامی مطابقت نداشت، از این ادبیات سترده شد و مسائل و آداب و احکام تازه‌ای مانند آیات، احادیث، مفاهیم و دستورات دینی اسلام در این کتاب‌ها انعکاس یافت. آوردن موعظه، حکمت و پند و اندرز در شعر فارسی از اوایل قرن چهارم هجری آغاز شد و شاعران، این نوع شعر را با قطعه‌های کوتاه آغاز کردند. از اوایل قرن ششم هجری سنایی غزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز کرد. موفقیت وی در اشعار موعظه گونه و حکیمانه باعث شد تا در اواخر قرن ششم اشعارش، مورد استقبال گروه زیادی از شاعران از جمله جمال الدین اصفهانی، قوانی رازی، خاقانی، نظامی و انوری واقع شود. (همان: ۷۱-۷۲)

سیر تطور و تحول ادبیات تعلیمی منظوم در ایران را به چند دوره نامگذاری کرده‌اند:

۱. دوره مؤثر از اندرزنامه‌های ایران باستان: ساسانیان در کنار آداب و تاریخ و هندسه، حکمت و پند و اندرز داشته‌اند که این اندرزها شامل کلمات قصار و حکیمانه‌ای است که پس از اسلام

نیز بر ادبیات ایران تأثیر بسزایی گذاشته است و تقریباً بیشتر این آثار تحت تأثیر سفارش های دین زرتشتی است. از جمله این کتاب‌ها و رساله‌ها می‌توان به: اندرزهای آذرباد مهر سپندان، اندرز خسرو قبادان، یادگار بزرگمهر و داستان مینوی خرد اشاره کرد. آن سخنان پند آمیز را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که جنبه عمومی داشته و نیکبختی بشر را هدف اصلی قرار داده اند و موضوع رذایل و فضایل اخلاقی، محور این تعالیم است.

ب) تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که اصلاح رفتار و کردار پادشاه را وجهه همّت خود قرار داده است، زیرا حکیمان باستان، جامعه را به منزله بدن و پادشاه را همچون سر فرض کرده اند و از نظر آنان صلاح و فساد آحاد مردم در صلاح و فساد رجال حکومت، بویژه شخص پادشاه بوده است. مهمترین نمونه های آن عبارتند از: کتاب ششم دینکرد، اندرز خسرو قبادان، عهد اردشیر و غیره. (یلمه ها، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۵)

۲. دوره رودکی (قرن چهارم ه.ق): اشعار برخی شاعران این دوره بازتاب من فردی و برخی من بشری و انسانی است. بیشتر اشعار رودکی در حیطه من اجتماعی و انسانی جای می‌گیرد.. (همان: ۷۵)

۳. دوره ناصر خسرو (قرن پنجم ه.ق): در دوره ناصر خسرو ناآرامی‌های سیاسی و شرایط نابسامان اجتماعی که حاصل سیر شتابان دگرگونی در حکومتها و مسائل مرتبط با آن بود، لزوم توجه به بحث‌های اخلاقی را آشکارتر کرد و این در حالی بود که سعی داشتند موضوعات اخلاقی و تعلیمی مربوط به تهذیب نفس را در بین صاحبان اندیشه مطرح کنند و بتدریج زمینه رواج این آموزش‌ها را در میان مردم فراهم آورند. (همان: ۷۶)

۴. دوره سنایی (قرن ششم ه.ق): سنایی رستگاری آدمی را در گرو اعمال نیک می‌داند، که این امر سبب عنایت و عدم خشم خداوند به بنده می‌شود. بنابراین شعرا کلامی پر از پند و اندرز را می‌سرایند که به فهم خوب و بد زندگی کمک می‌کند. (همان: ۷۷)

۵. دوره نظامی (قرن ششم ه.ق): نظامی بعد از سنایی در ایجاد منظومه‌های حکمی و تعلیمی توفیق یافت. در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم عطار با مثنویهای ساده و آموزنده‌ای تنوع شعر را با قوت تمام ادامه داد که منطق الطیر، الهی نامه و مصیبت‌نامه از آثار ارزشمند او در این زمینه است و شاعران مسائل اجتماعی و حکمی را در نهایت شیوایی بیان می‌کردند. (پلمه‌ها، ۷۸:۱۳۹۵)

۶. دوره سعدی (قرن هفتم ه.ق): در قرن هفتم سعدی با وارد کردن ادب تعلیمی در آثارش بویژه بوستان، سبب به وجود آوردن باورهایی در میان مردم شد که: گاهی انسان فراموش می‌کند که زندگی او جاویدان نیست و روزی که قرار باشد از دنیا برود، ثروت دنیوی نمی‌تواند لحظه‌ای به زندگی او بیفزاید. این جریان تا زمان مشروطه اداره دارد. در این دوره عقاید اجتماعی، ظلم ستیزی، آزادی‌خواهی و... به عنوان مضامین تعلیمی، سیاسی و اجتماعی در آثار شاعرانی چون ادیب الممالک فراهانی، ملک الشعراء بهار، اشرف الدین گیلانی، پروین اعتصامی و غیره شکل می‌گیرد. (همان: ۷۹-۸۰)

۲- بحث و بررسی

۲-۱ ادبیات تعلیمی ضمن ادبیات حماسی

«از میان انواع ادبی، نوع تعلیمی علاوه بر شکل مستقل آن که در قالب آثار اخلاقی عرضه می‌شود، در لابه لای انواع ادبی دیگر اعم از حماسی، عرفانی و غنایی نیز به چشم می‌خورد. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. پند و اندرز، آموزه‌های زهد آمیز و

اخلاقیات گونه های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است. حتی درونمایه های تغزلی و حماسی در ادبیات فارسی به نوعی با آموزش های اخلاقی پیوند یافته است. « (همان : ۷۱)

پرداختن به نکات تعلیمی در ضمن ادبیات حماسی باعث برخی روشنگریها می شود که عبارتند از: ستایش یزدان، یادآوری و ذکر صفات پروردگار، نکوهش سرای سپنجی و بی اعتباری جهان، دادگری، ستایش خرد، احترام به بزرگان، قطعی بودن مرگ، اشاره به آیات و احادیث، انذار و تبشیر و غیره.

هفت لشکر در قالب مثنوی، داستانی است حماسی و کمتر بزمی و عاشقانه که در ۸۱۶۷ بیت، در بحر متقارب مثنیٰ محذوف و به خط نستعلیق تحریری در ۵۶۶ برگ، توسط کاتبی ناشناس محتملاً عصر صفوی به رشته تحریر درآمده است. به دلیل اینکه آغاز و انجام آن افتاده، اطلاعاتی درباره شاعر آن در دست نیست و از نوع کاغذ و سطر بندی اثر، احتمال می رود که سراینده از مردم شبه قاره هند بوده یا اثر در هند کتابت شده باشد. شاعر در سرودن این مثنوی، به شاهنامه فردوسی بسیار نظر داشته است. این مثنوی، روایت منظومی از داستانی است که در طومارهای نقالی با نام «هفت لشکر» آمده است.

بخش اعظم و قابل ملاحظه ای از این مثنوی، به داستان برزو و فرزندش تمور یا تیمور که قصد بر تخت نشاندن برزو را به جای کیخسرو داشته، اختصاص یافته است. هفت لشکر برخلاف شاهنامه و دیگر مثنویهای داستانی و به دلیل فقدان آغاز و انجام نسخه، مقدمه مستقلی در آغاز ندارد و حضور شاعر آن در سراسر متن چندان آشکار نیست و بیشتر جاها، شاعر به صورت راوی و گوینده داستان خودنمایی می کند. به همین منظور مطلب زیادی درباره جهان بینی و اندیشه های شاعر به دست نیامده است و در خلال متن می توان به چندین مورد از نکات تعلیمی اثر اشاره کرد.

۲-۲- نکات تعلیمی در مثنوی هفت لشکر

۲-۲-۱- ستایش یزدان و مناجات پهلوانان و استغاثه به درگاه خداوند:

سراینده هفت خداوند متعال را ستایش می‌کند و یگانه‌پرستی را با کمک آیات قرآن تجزیه و تحلیل می‌کند. او علاوه بر سرودن ابیات فراوانی درباره خداپرستی، از زبان قهرمانان داستانهایش نیز به مناجات خداوند می‌پردازد؛ همچون مناجات نمودن کیخسرو و آمدن رستم و پهلوانان ایران به یاری او.

که ای پادشاه زمین و زمان
خداوند روزی ده جان ستان
تو دانی که این شاه بیدادگر
کمر بسته بر کین ما سر به سر

(هفت لشکر: ص ۲۱۷)

قهرمانان هفت لشکر در هنگام نیایش با فروتنی و خشوع دست نیاز به درگاه او بلند می‌کردند و از او درخواست می‌کردند در آغاز جنگ‌ها و پایان آن‌ها به مناجات می‌پرداختند. برزو هنگام آمادگی برای رزم به درگاه پروردگار خویش چنین استغاثه می‌کند.

جهان آفریننده دادگر
تو باشی نگارنده بحرو بر
به آه اسیران با درد و سوز
که دارند مویه ز شب تا به روز
یکی نیروم بخش ای دادگر
که فردا ببندم به کینه کمر

(همان: ص ۳۷۳)

کیخسرو در نامه‌ای که به گیو می‌نویسد، پروردگار را حامی و پناه تمام افراد بشر دانسته است و به صفت رزاقیت خداوند اشاره می‌کند.

خداوند این لاجورد سپهر
نگارنده اینچنین ماه و مهر
خداوند رزاق روزی رسان
پناه کسان و کس بی کسان

(همان: ص ۴۵)

"كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدْكَرْ «بِسْمِ اللَّهِ» فِيهِ فَهُوَ أَتْبَرُ"؛ هر کار اهمیت داری که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع نشود ابتر (بی برکت و بی نتیجه) است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۸۳) در این مثنوی همه نامه ها با نام و یاد خدا و حمد و سپاس او آغاز می شود. سراینده با یادآوری صفات خداوند، عقل و فطرت مخاطب خود را برمی انگیزد.

سِرِ نامه بر نام پروردگار	خداوندِ روزی ده مورو مار
خداوندِ این لاجوردِ سپهر	نگارندهٔ اینچنین ماه و مهر
خداوندِ رزاقِ روزی رسان	پناهِ کسان و کسِ بی کسان

(همان: ص ۱۰).

۲-۲-۲- ستایش خرد و خردمندی:

آگاهی و هوشیاری و خردورزی از جمله آموزه‌های اخلاقی است و از نکات مهمی که در هفت لشکر به آن اشاره شده، ارزش و مقام خرد است. در جایی شاعر پس از ستایش یزدان، به ستایش خرد پرداخته که برگرفته از تعلیمات اخلاقی - اسلامی و قرآن و احادیث است و به حدیث نبوی «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۹۷) اشاره دارد.

که در اول نامه نام خدای	خداوندِ روزی ده رهنمای
خدایی که او لاجوردین سپهر	بیاراست از انجم و ماه [و] مهر
چنین طرفه بنیاد عالم نهاد	خرد در سر مغزِ آدم نهاد

(همان: ص ۴۵)

همچنان که مشاهده می‌شود شاعر عقل و خرد را موهبتی الهی می‌داند که تنها در وجود آدمی قرار دارد و موجب بزرگی و کرامت اوست. در جایی دیگر شاعر، سیاوش را خردمند و آگاه نشان می‌دهد.

به عالم شهی چون سیاوش نبود خردمند بیدارِ خامش نبود

(همان: ص ۶)

۳-۲-۲- بی‌اعتباری و بی‌وفایی دنیا:

یکی از جنبه‌های قابل تأمل هفت لشکر، نگرش سراینده به جهان است. نکوهش جهان‌سپنجی و بی‌اعتباری و بی‌وفایی آن از برجسته‌ترین موضوعات این مثنوی است.

جهان ازدهایی است مردم رُبای بر اژدها تا توانی میای

(همان: ص ۴۱۱)

بینید کردار این گوژ پشت که با ما همیشه بُود او درشت
کند روبهان را همی شیرگیر شود شیر در چنگِ روبه اسیر

(همان: ص ۸۱)

علی (ع) می‌فرماید: «هان! زندگانی چند روزه دنیا شما را فریب ندهد، که دنیا خانه‌ای است پر از رنج بلا و محنت و عنا، و پیرایه‌ای است ناپایدار، و عجزه‌ای است مکار، حالاتش متزلزل و منقلب، و ساکنانش مشوش و مضطرب» (نهج البلاغه: ۷۱۶).

در کنار اشاره به بی‌اعتباری دنیا شاعر به قطعی بودن مرگ هم با انگیزه آگاهی مخاطب پرداخته است:

دریغا که عمر است مانند باد همه رنجمان هست درد هر یاد
سرانجام خواهیم رفتن ز درد بود آخر از نیش مان زهر، بهر

(همان: ص ۱۶۷)

۴-۲-۲- احترام به شاه و بزرگان و پدر و مادر:

از گذشته‌های دور و در آیین‌های باستانی، احترام به بزرگان و زمین بوسی در برابر آنان مرسوم بوده است که از تعالیم دینی ما نیز محسوب می‌شود. پادشاه در رأس حکومت قرار داشته، و مردم و مقامات مملکت به هنگام حضور در پیشگاه او، آداب احترام و ادب را به جای می‌آوردند. از جمله این آداب، زمین بوسی است. سعدی نیز در ابیاتی به این مورد اشاره کرده؛ مانند حکایت سوم در باب اول گلستان که ملک زاده‌ای به سبب کوتاهی خود مورد تحقیر پدر قرار می‌گیرد. اما با این حال به هنگام هجوم دشمن از خود رشادت نشان می‌دهد و بر سپاه دشمن می‌زند و چون «چون پیش پدر آمد زمین خدمت بیوسید» (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۸) در مثنوی هفت لشکر می‌خوانیم:

زمین را بیوسید آنکه تمور بیامد نشست از بر تند بور
چو آمد به نزدیک خسرو زمین بیوسید بر شاه گرد آفرین

(هفت لشکر: ص ۸)

فرامرز بوسید دست پدر دعا کرد بر پهلوی نامور

(همان: ص ۷)

۵-۲-۲- پرهیز از صفات ردیله اخلاقی:

ردیله به صفتی اطلاق می‌شود که مانع شناخت عالی و حقیقی خداوند و بندگی او و برخورد مثبت با سایر بندگان شود. رذایل اخلاقی سبب نابودی انسان می‌شوند و در هیچ مذهب و جامعه‌ای پسندیده نیست. حسد، از رذایل اخلاقی، گناهان کبیره و به معنای آرزوی زوال نعمت‌ها و داشته‌های دیگران است. علی (ع) فرموده‌اند: «الْحَسَدُ دَاءٌ عِیَاءٌ لَا یَزُولُ إِلَّا بِهَلْکِ الْحَاسِدِ أَوْ مَوْتِ

المَحْسُود» حسد یک بیماری علاج‌ناپذیری است که جز با از پای درآمدن حسود یا مرگ طرف مقابل زوال نمی‌پذیرد. (غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۷)

حسد مرد را در بلا افکند تن اندر دم اژدها افکند

(هفت لشکر: ص ۱۰)

زمینی کجا آفریدونِ گرد بخشیدی بر رسم با دستبرد
از آن تو باشد، بجو آشتی مشو غره بر خود، چه پنداشتی

(همان: ص ۵)

۶-۲-۲- توکل بر خدا و پشتیبانی او:

توکل از دیگر آموزه‌های اخلاقی است که با انگیزه ترغیب مخاطب، او را امیدوار می‌کند.

بگفتند لشکر که این نیست رای که تنهاروی سوی کوه بلای
چرا خویش را در بلا افکنی تن اندر دم اژدها افکنی
مکن اینچنین کار ای نامور مبادا که بینی ازیشان ضرر
گرازه بگفتا خدای کریم بُود یاورم، از کسم نیست بیم

(هفت لشکر: ص ۶۰)

خداوند نیز فرموده‌اند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق/۳) و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است خدا فرمانش را به انجام رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.

سراینده مثنوی هفت لشکر مانند بسیاری از شاعران بزرگ فارسی عقیده یعنی هر قضا و قدری حتمی است و آدمی را در برابر آن، چاره‌ای نیست. و به این ترتیب، بیچارگی و تسلیم در برابر

حوادث را تعلیم می دهد. قضا و قدر و حکم الهی تغییرناپذیر است و باید توکل کرد و مطیع بود.

سرافرازگردِ نکوخوی را	بیاورد دژخیم برزوی را
شدند آن دلیران، پر از آبروی	چو آمد به زندان گو نیکخوی
که دادیم جان را بدین جای خوار	همی گفت هرکس به زاری زار
که نبود بدین کارها را شتاب	چنین داد برزوی آن را جواب
کند هرچه خواهد به ما درجهان	بُود حکم، حکم خدای جهان

(همان: ص ۱۶۷)

۲-۲-۷- پرهیز از مجالست و مصاحبت با زنان

برخلاف فردوسی که در جای جای نامه باستان، زنان را ستوده، ناظم هفت لشکر چندین بار از زبان شخصیت‌های داستانی منظومه، زنان را نکوهش کرده و آنان را بی‌وفا، راز ندار، حاسد و کم خرد دانسته که «بازتابی از اندیشه‌های زن‌ستیزانه گذشته فرهنگی^۵ تاریخی ایران از جمله عصر صفوی است» (آیدنلو، ۱۳۹۳: ۳۲).

در متون ادب فارسی بسیار دیده می‌شود که زن خوب کسی است که همیشه در خانه باشد و از تمام اوامر شوهر اطاعت و به تربیت فرزندانش همت گمارد. برابر این عقیده در منظومه هفت لشکر به ناشایست بودن حضور زنان در میدان جنگ اشاره شده است.

می‌فروز جانم چو آذر گشپ	نیارا چنین گفت بانو گشپ
که تا باز دانم سخن اندکی	مرا هم ابا خویشتن بریکی
ابا شادی و رامش و مهر باش	چنین گفت دستان در شهر باش
ولی زن بُود همچو پیلان مست	زن ار هست دانا و بازو ز دست

شبستان زنان را بُود در جهان ز مرد است میدان [و] تیغ [و] سنان

(هفت لشکر: ص ۳۲۰)

دیدگاه منفی درباره زن، بر اساس این باور است که زنان موجب گمراهی مردان و یا جامعه می-شوند؛ بنابراین با انتقال باورهای تبعیض آمیز و تحقیرآلود، به گونه‌ای از توجه جامعه به آنها جلوگیری شود. در هفت لشکر درباره هم زبان نشدن با زنان چنین آمده است:

چه خوش گفت دانای پیشین زمان که با زن مشو هم زبان در جهان

(همان: ص ۴۷۰)

عصمت و پاکدامنی از آموزه‌های ضروری و با ارزش برای زنان در مثنوی هفت لشکر است.

بُتانی کز آتش ندیدند دود زگیسو به آتش نهادند عود

زمانی که پاکیزه و گل‌گذار همه بی‌غش و می‌کش و می‌گسار

(همان: ص ۱۱۱)

محمد عوفی درباره زنان پاکدامن و پارسا می‌نویسد: «باید دانست که آفریدگار سبحانه و تعالی رحمت خود به هر کس که خواهد دهد، اگر چه ناقص باشد کامل شود، و اگر چه زن باشد بر مردان عالم شرف و مرتبت یابد و خلقت ایشان اگر چه از استخوان کژ بوده است و کژی در طبیعت ایشان مرکوز و مجبول است و لکن بسیار زن باشد که مقنعه دوگزی ایشان بر دستار سی‌گزی مردان ترجیح دارد و هیچ نعمتی مَر آدمی زاد را ورای زن پارسا نیست» (عوفی، ۱۳۷۱:

(۹۸)

شاعر، زنان آگاه و کارآمد را بهتر از مردان نادان و تیره روان دانسته است.

چو بشنید این گفته افراسیاب بُرو کرد پُرچین و سر پُر شتاب

بتندید بر لشکری سر به سر که ای بدنزادان بی‌پا و سر

ندارید مردی و فرهنگ [و] زور نشینید هر یک به بالای بور

شما کمترین از زنان در جهان که زن بهتر از مرد تیره روان

(هفت لشکر: ص ۲۶۳)

از دیگر باورهای کهن درباره زنان که برگرفته از مراسم خاکسپاری مردگان قوم سکایی است که آیین خاصی برای دفن مردگان، بویژه شاهان و بزرگان داشته اند. معمولاً همراه شاه متوفی یکی از زنان غیر عقدی او و دیگر خدمه مانند آشپز، غلامان و نامه رسان او را همراه با اسب و جواهرات وی بصورت ایستاده و آماده به خدمت، به خاک می سپردند. (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۳۶) کشتن و ریختن خون زنان را بدشگون می دانستند که ناظم هفت لشکر نیز به آن اشاره کرده است.

ز کار قمیران بدان کار کرد که چونش گرفتم به روز نبرد

چنانش گرفتم به خواب اندرون از آن خواب هرگز نیاید برون

کنون گر زنش را به آیین او بخوابانم اکنون به بالین او

بینم در این کار رای تو چیست همیدن بدین رهنمای تو چیست

بدو گفت گستم که ای بی همال ز زن خون چه ریزی، بد آید به فال

(هفت لشکر: ص ۵۳۳)

۳-۲- ابزار و شیوه‌های تعلیم در هفت لشکر

۱-۳-۲- پند و اندرز پیران و بزرگان:

«اندرز مخاطب خویش را به گوش فرا دادن نه به آواز ضمیر خویش، بل به ندای تجارب بهترین انسان‌ها یعنی فرزندانگان و خردمندان دعوت می‌کند. اینان وجدان بیدار جامعه‌اند و سخنان

منسوب به آنان ندای این وجدان است» (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۱). شاعر در هفت لشکر پندپیران را راهگشا و رهاننده از مهلکه می‌داند.

ولیکن چه خوش گفت دهقان پیر
ابا پور خود در ره داروگیر
چو بیشه تهی گردد از نره شیر
شغالان بیایند آنگه دلیر

(همان: ص ۲۱۹)

چو خوش گفت دانای فرخنده کام
که باشد به هر دو جهان شاد کام
گریزی بهنگام سر بر به جان
به از پهلوانی به سر، زیربای
ز جنگی که پایت در آمد به سنگ
علاجت گریز است آنجا نه جنگ

(همان: ص ۱۷۴)

۲-۳-۲- آوردن تمثیل و حکایت با قصد تبیین و انتقال مضامین به مخاطب :

شاعران و نویسندگان به استفاده از مثل و تمثیل به عنوان عناصر بلاغی موثر توجه ویژه داشته‌اند. سراینده هفت لشکر نیز با آگاهی از قدرت اقناعی نهفته در تمثیل و مثل، در جای جای منظومه خود بیان مثل و تمثیل می‌پردازد و سعی در باورپذیری گفته‌اش از سوی مخاطب دارد.

چو بشنید از او این سخن زال پیر علوم انسانی و مطابقت با
بدو گفت کآن پیر روشن روان
تو نشنیدی این داستان را مگر
که کو کودکان را به کار بزرگ
چو پیری پر از زندگی گشت شیر
چراغ کهان، آفتاب مهان
که گفته ست دانای روشن گهر
فرستد، نباشد دلیر و سترگ
ندارد به سر عقل روباه پیر
تأسف ندارد کنون هیچ سود
کنون بودنی بود، بود آنچه بود

(هفت لشکر: ص ۱۹۱-۱۹۲)

برخی از ابیات این منظومه یا خود ضرب‌المثل هستند یا به دلیل روانی و درن‌مایه موثر و فراگیر در حکم مثل تلقی می‌شوند؛ زیرا از نظر برخی صاحب‌نظران مضمون حکیمانه و قاعده اخلاقی از ویژگی‌های اصلی ضرب‌المثل است. (حکمت، ۱۳۶۱: ۴۸) استفاده از مثل بیشتر برای این است که رویدادی، ماجرای، سخنی یا تصمیمی باور پذیر و عقلانی جلوه کن زیرا مثل حاصل خرد جمعی پیشینیان است و به تأثیر کلام کمک می‌کند. سراینده هفت لشکر همچنین از نقل این امثال اهداف گوناگونی نظیر تنبیه و تحذیر، بزرگداشت، خوارداشت و ... را دنبال می‌کند.
نمونه:

همه هست با من گه تو فزون
مر آن لاف در پیش مردان کنون
چو جنگی نه ای، چست بر تن زدن
بُود پیش شاطر معلق زدن

(هفت لشکر: ص ۲۵۷)

در ابیات زیر نیز شاعر با انگیزه تحذیر و هشدار و با آوردن ضرب‌المثلی، مخاطب را از هم‌نشینی با دوستان ناباب و فریبکار برحذر می‌دارد.

چنین زد مثل راوی پاکزاد
که منشین تو هرگز ابا بدنژاد
که فردا پشیمانی آرد به باد
که گفت چنین در جهان بد مدار

(همان: ص ۱۶۴)

۳- نتیجه‌گیری

ادبیات تعلیمی گونه ای ادبی است که از دیرباز در ادبیات فارسی جایگاهی ویژه ای داشته است. در ایران پس از اسلام این ادبیات در قالب آموزه های مستقیم و غیرمستقیم خود را نشان می‌دهد. ابتدایی ترین نوع تعلیمی در دوران ساسانیان و با آذرباد مهراسپندان، یادگار بزرگمهر و مینوی خرد شناخته شده است. در دوره‌های بعد نیز شاهد انواع گوناگون و صورتهای مختلف

ادبیات تعلیمی در آثار بزرگانی همچون فردوسی، سنایی، انوری، سعدی، مولانا و غیره اشاره کرد. در مثنوی «هفت لشکر» ابیات زیادی را می‌توان یافت که به طرح موضوعات اخلاقی پرداخته است که می‌تواند در زندگی امروزه هم کاربرد داشته باشد. نکات برجسته‌ای از تعلیمات اخلاقی و انسانی از قبیل بزرگداشت خرد، حمد خدا، توکل، پذیرش پند پیران، دوری از همصحبتی با زنان و با تأثیرپذیری از آیات و احادیث همراه است. شیوه نصیحت‌گویی مشفقانه در این منظومه و کاربرد آنها در سراسر داستان نشان از ارزش واقعی اخلاقیات در نزد سراینده دارد.

منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام.
- ۳- آیدنلو، سجّاد، (۱۳۹۳) زرّین قبا: منظومه پهلوانی ناشناخته، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۲، شماره ۷۷، پاییز و زمستان.
- ۴- ارسطو، (۱۳۷۷) فنّ شعر، ترجمه عبدالحسین زرّین کوب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۶۹)، سرو سایه فکن، تهران: انتشارات انجمن خوشنویسان ایران.
- ۶- حکمت، علی اصغر (۱۳۶۱) امثال قرآن، تهران: بنیاد قرآن.
- ۷- رضا بیگی، مریم و سلیمی، علی (۱۳۹۱) تأملی در نقش تعلیمی داستان‌های شاهنامه، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره پیاپی: سیزدهم و چهاردهم.
- ۸- رنجبر، احمد (۱۳۷۹) جاذبه‌های فکری فردوسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۹- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: نیلوفر.
- ۱۰- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰) انواع ادبی، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۱- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۷۹) حماسه سرایی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ۱۲- طاهری، محمد (۱۳۹۱) جایگاه و تأثیر قوم سکایی در تاریخ و شاهنامه فردوسی، متن شناسی ادب فارسی ، سال چهارم ، شماره ۱ (پیاپی ۱۳).
- ۱۳- علی مددی، منا، (۱۳۹۴) تبارشناسی ادبیات تعلیمی (نگاهی به چرایی شکل گیری و گسترش ادبیات تعلیمی در ایران) ، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی ، سال هفتم ، شماره ۲۵.
- ۱۴- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۷۱) جوامع الحکایات و لوازم الروایات، تصحیح محمد معین، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- فوشه کور، شارل هانری. (۱۳۷۷) اخلاقیات .ترجمه محمد علی امیر معزی و عبدالمحمد روحبخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی .
- ۱۶- فیض کاشانی محمدحسن فیض، (۱۴۰۲)، تفسیر صافی، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانية، ۵جلد.
۱۷. مجلسی ، محمدباقر(۱۳۶۳) بحارالانوار، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، جلد ۱، تهران: نشر کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.
۱۸. محجوب ، محمد جعفر (۱۳۷۱) آفرین فردوسی ، تهران : انتشارات مروارید .
۱۹. محسنی نیا ،ناصر و برزگر خالقی، محمد رضا و نوروز زاده چگینی، وحیده (۱۳۹۰)، پژوهشی درباره جایگاه ادبیات تعلیمی در قصاید پارسی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره دهم..
- ۲۰- مشرف ، مریم (۱۳۹۴)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران ، تهران : انتشارات سخن.
۲۱. مشتاق مهر، رحمان و بافکر ، سردار (۱۳۹۴) شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره بیست و ششم ، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.
۲۲. یلمه‌ها ، احمد رضا(۱۳۹۵) بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و سیر تطور و تحول آن در ایران، سال هشتم ، شماره ۲۹.
۲۳. (۱۳۹۶) شگردها و علل و انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در منظومه‌های غنایی با تکیه بر منظومه نو یافته «ناز و نیاز»، سال نهم، شماره ۳۴، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.
۲۴. هفت لشکر ، بی تا ، بی نا ، نسخه خطی ، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، شماره ۱۸۵۵.